

## طلیعه

گفتمان اصلی حاکم بر دهه کنونی کشور و انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ آن هم پیشرفت چند بعدی و نه تک بعدی به نحوی که جنبه‌های مختلف علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی را شامل شود، و عدالت در توزیع فرصت‌ها و امکانات به گونه همه‌جانبه و نه تنها در جنبه مادی بلکه در هر دو جنبه مادی و معنوی. طرح برخی از سؤالات می‌تواند برخی زوایای مبهم و مجمل تحقق بهتر، سریعتر و صحیح‌تر این گفتمان را از ابهام خارج ساخته و چشم انداز آینده را بیش از پیش روشن کند.

مفهوم پیشرفت و عدالت و ملاک و معیار آنها چیست؟ راهکارهای تحقق و الگو و سرمشق لازم‌الاتباع در این مسیر چیست؟ آیا بدون توجه و شناسایی و جذب و سازماندهی نیروهای توانمند و لایقی که از قابلیت‌های تولید فکر و اندیشه و خلاقیت آفرینی و ابداع و توانایی‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف برخوردارند می‌توان این امر را به سرمنزل مقصود رساند؟ آیا بدون داشتن الگوی مشخص در این قلمرو، و بدون شناسایی تهدیدها و آسیب‌هایی که در مسیر تحقق این گفتمان وجود دارد و برنامه‌ریزی معطوف به رفع یا دفع آنها، نیل به قله موفقیت در گفتمان مذکور را می‌توان آرزو داشت؟ آیا با پرداختن به امور بی اهمیت و دست‌چندم و از دست دادن فرصت‌ها و ورود به حاشیه‌ها و حاشیه‌سازی‌ها و غفلت ورزیدن از ظرفیت‌ها و موقعیت‌های در اختیار توسط دست‌اندرکاران راه به جایی می‌توان برد؟

به لطف خدا، قافله سالار انقلاب و امام حاضر امت اسلامی با جهت‌بخشی کلان و به موقع، خود خطوط اصلی مسیر را تعیین و اعلام داشته و حجت را بر مسئولان و دست‌اندرکاران تمام کرده‌اند. بدون تردید موفقیت در نیل به تحقق این راهبرد اصلی انقلاب در شرایط کنونی نیازمند شرایطی است و مهمترین آن این‌که همه ما باید خود و اعمالمان را در محضر خدای حاضر و ناظر ببینیم و اخلاص و همت را چاشنی تلاش‌هایمان سازیم.

از یک سو، نیروهای فکری جامعه باید با اندیشه ورزی خود تلاش کنند با غرب‌شناسی انتقادی و درک فاجعه‌ای که غرب در مسیر پیشرفت تک بعدی خود با آن مواجه شده است، طلسم غرب‌گرایی و تقلید را بشکنند و از لاک تقلید مهوع الگوهای غربی خارج شوند و با مشخص کردن الگویی که اولاً بومی باشد و ثانیاً مبتنی بر عقلانیت اسلامی و انقلابی و انسان‌شناسی اسلام بنیاد باشد و ثالثاً قابل اجرا و شدنی باشد و رابعاً در عین آرمانگرایی واقع‌گرایانه باشد، رسالتی را که بر دوش دارند به خوبی به انجام رسانند. و از سوی دیگر، بر مسئولان و دست‌اندرکاران نیز ضروری است که با اجتناب از تشریفات‌گرایی و حرکت‌های معطوف به تبلیغ و ارائه گزارش کار، فضای لازم را برای استفاده از ظرفیت‌های فکری جامعه فراهم سازند.

شرط این کار آن است که نه خود منفعل باشند و نه زمام کار را در عرصه فکر و عمل به کسانی بسپارند که در قبال پیشرفت ظاهری و مادی دیگران انفعال حاصل کرده‌اند و به دلیل تربیت غربی همان مسیر غلط، ناموفق و ترسیم شده دیگران را که به حذف و مسخ عدالت و معنویت منجر شده است، آگاهانه یا ناآگاهانه تعقیب می‌کنند. باید مواظب بود طبق خواست گالبرایت، اقتصاددان آمریکایی، اینگونه متصدیان اداره امور را در عرصه فکر و عمل بر منصب ننهانیم؛ او به همتای روسی می‌گوید: «ما آمریکایی‌ها در آینده ... فقط افراد را از سراسر دنیا به دانشگاه‌های خود می‌آوریم و آموزش می‌دهیم سپس آنها موقع برگشت همانطور که ما می‌خواهیم کشور را مدیریت می‌کنند و ما بدین وسیله جهان را اداره خواهیم کرد.»

امام حاضر امت حفظه الله فرمودند:

«باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است.» فاعتبروا یا اولی الابصار.

بمنه و توفیقه، مدیر مسئول

# طرح گالبرایت یا شکستن طلسم تقلید؟